

ساختارشناسی وقف‌نامه‌های زنان در دوره قاجار

حسن زندیه / استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران / zandiyehh@ut.ac.ir

نسرین عباسی / کارشناس ارشد تاریخ، گرایش اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران / abbasinasrin470@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

(DOI): 10.22034/shistu.2022.537658.2114

چکیده

وقف‌نامه‌ها از اسناد باارزش و جزو اسناد شرعی به شمار می‌روند. اسناد موقوفات زنان در دوره قاجار از مهم‌ترین منابع برای ترسیم اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هستند. در این دوره، بیشتر اقشار جامعه با گرایش‌های گوناگون فکری به وقف توجه داشتند. با توجه به رواج وقف، زنان در این امر مشارکت داشتند و این یکی از بسترهای حضور و مشارکت اجتماعی زنان عصر قاجار بود. در این دوران، وقف‌نامه‌های زنان و مردان چندان فرقی با یکدیگر نداشت، اما وقف‌نامه‌های زنان از لحاظ مصرف و رقبات، گاهی متفاوت از مردان بود و این تفاوت جزئی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تاریخی و استفاده از اسناد ذی‌ربط به نگارش درآمده و به رغم ضرورتی که این موضوع در تاریخ معاصر ایران دارد، تاکنون تحقیق مستقلی درباره وقف‌نامه زنان شیعی در دوره قاجار صورت نگرفته است. این مقاله سعی دارد تا به بررسی شکلی و محتوایی وقف‌نامه‌های زنان دوره قاجار بپردازد. داده‌ها از ۳۶ وقف‌نامه، از «آرشیو ملی ایران»، «مرکز اسناد و کتابخانه آستان قدس رضوی»، «تارنمای دنیای زنان قاجار» و منابع کتابخانه‌ای گردآوری، استنساخ و بازخوانی شده و با رویکرد «توصیفی-تحلیلی» سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: وقف‌نامه، زنان، قاجار، وقف‌نامه زنان، سندشناسی.

مقدمه

وقف‌نامه‌ها ساختار خاصی دارند و این ساختار در سراسر دوران قاجار تغییر مهمی نکرد. آنها دارای ساختار ظاهری و محتوایی هستند. از منظر ظاهری، شامل متن و حاشیه با اجزای ذی‌ربط و نیز ساختار محتوایی هستند که نقش زنان در آنها پررنگ است. این پژوهش کوشیده است اسناد وقفی زنان در دوره قاجار را بررسی کند و با بررسی ساختار این وقف‌نامه‌ها، اطلاعات مفیدی در باب جایگاه و شناخت زنان در امور اجتماعی و سهم زنان در این امر ارائه دهد.

ساختار ظاهری وقف‌نامه‌ها

یکم. ساختار ظاهری متن وقف‌نامه‌ها

۱. کاغذ

واژه «کاغذ» ظاهراً از زبان چینی وارد زبان ترکی شده، سپس از ترکی به عربی راه یافته و از این طریق وارد زبان فارسی گردیده است. در متون قدیمی، این واژه را با دال (کاغذ) می‌نوشتند. در زبان عربی، برای کاغذ کلمه «قرطاس» را به کار می‌بردند که از واژه یونانی «خارتس» گرفته شده است. (آذرنگ، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷)

در قرن دوم میلادی، چینیان اوراق مناسبی برای کتابت ساختند. آنان مواد خامی را که برای کاغذ استفاده می‌کردند ابتدا، از الیاف کنف بود که بعدها به الیاف پوست درختان تبدیل شد و این برتری و تحول به علت زحمات شخصی به نام «تسای‌لون»، از دربار امپراتور «خه‌دی» از خاندان‌های شرقی رخ داد. (عظیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۱) پس از آن، صنعت کاغذسازی به دیگر بلاد اسلامی راه یافت. اولین کارگاه‌های کاغذسازی در جهان اسلام در شهر سمرقند ایجاد شد و از آنجا به دیگر بلاد اسلامی گسترش یافت. اولین کارگاه‌های کاغذسازی در بغداد زمان خلافت هارون‌الرشید تأسیس شدند. (دستوان، ۱۳۹۸،

ص ۲۲)

در وقف‌نامه‌های تحت پژوهش، جنس بیشتر اسناد از کاغذ است و نمونه پارچه‌ای در آنها مشاهده نمی‌شود. رنگ کاغذ بیشتر آنها نخودی است و رنگ‌های آبی، نباتی، کاهی، دارچینی، زرد و سیاه هم در بین آنها وجود دارد. از نظر اندازه، کاغذها مشابه است و تعداد زیادی از آنها در قطع خشتی نگارش شده است. واقفانی که از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، گاهی ویژگی‌های ظاهری اسناد موقوفاتشان با دیگر وقف‌نامه‌ها متفاوت است؛ اسناد در اندازه‌های بزرگ‌تر و با خطی خوش‌تر از سایر اسناد تهیه شده است.

۲. خط

به سهولت می‌توان اسناد دوره قاجاریه را بر اساس شکل خط، از دوره‌های قبل از آن تفکیک کرد. استفاده از خط شکسته‌نستعلیق در نوشتن اسناد و بسیاری مقاصد دیگر موجب شد تا منشیان و کاتبان، بی‌سبب چیزهایی بدان بیفزایند و آن را پیچیده سازند. البته کیفیت خط با قلم رابطه‌ای مستقیم دارد. اصحاب قلم در دوره قاجار از دو نوع «قلم رسمی» و «قلم آهنی» استفاده می‌کردند. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۳۱) اگرچه شکل حروف یا نوع خط در هر دوره متفاوت بوده است، اما اندازه قلم با قطع کاغذ رابطه‌ای مستقیم دارد. (رضایی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳) اندازه نوک قلم سبب شده تعداد سطرها کم و زیاد شود.

بیشترین وقف‌نامه‌ها به خط نستعلیق یا نسخ کتابت شده است. وقف‌نامه‌های عربی غالباً به خط نسخ و بیشتر آنها که فارسی بوده به خط نستعلیق نگارش شده است. بعضی از وقف‌نامه‌ها به خط شکسته‌نستعلیق کتابت شده است. خط ثلث کم به چشم می‌خورد و بعضی از آیات یا روایات یا عناوین به شکل خاصی به خط ثلث درشت نگاشته شده است. بعضی از وقف‌نامه‌ها حاوی ترکیبی از دو نوع خط - مثلاً - نسخ و نستعلیق است. (حسینی اشکوری، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

برجسته‌کردن به وسیله نوشتن برخی کلمات یا نام‌های مرتبط با متن در صدر یا حاشیه اسناد، یکی از سنت‌های دیرپای اسناد دوره اسلامی ایران است. این سنت تقریباً در همه

اسناد بازمانده از دوره مغول تا پایان عصر قاجار، با تفاوت‌هایی وجود دارد. ممتازنویسی کمی پس از دوره صفوی، از حوزه اسناد دیوانی حذف شد و به شکلی دیگر، در اسناد شرعی تداوم یافت و تنها در اسناد قضایی، به ویژه وقف‌نامه‌ها، عقدنامه‌ها و برخی مبیعه‌نامه‌ها ادامه پیدا کرد. این نکته خود ملاکی روشن برای شناخت طبقه اجتماعی واقفان یا طرفین عقد است. در دوره قاجار، این ویژگی از نام دیوانیان به نام و القاب و عناوین علمای بزرگ تعمیم یافت. روش کار در این نمونه‌ها تغییری اساسی پیدا نمود و مجموعه نام‌ها و عناوین و القاب و دعا برای شخص اول سند (واقف، مخاطب، خریدار) در گوشه سمت راست بالای سند در چند سطر نوشته می‌شد. کلمات مقدس متن از آیات و روایات با دیگر رنگ‌ها، به ویژه با رنگ سرخ نگارش می‌یافت. (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸، ص ۹۷-۹۸)

الف. رنگه‌نویسی (خطرنگی)

در فوائده الخطوط، خطاط یا کاتبی که با انواع مرکب‌های رنگین مأخوذ از نباتات و معدنیات کتابت می‌کرده، به عنوان «رنگه‌نویس» و خط او نیز «خطرنگه» یا «خطرنگی» نامیده شده (بخاری، ۱۳۷۲، ص ۳۷۴) و این از ویژگی‌های بارز در اسناد شرعی بوده است.

ب. درشت‌نویسی

«درشت‌نویسی» نوع دیگری از برجسته‌نویسی در اسناد شرعی است که با کمک قلمی که دارای قطر بیشتری بود، صورت می‌پذیرفت. (شایان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۳۰)

ج. مشکول‌نویسی

در معدودی از اسناد تحت بررسی، برای متمایز ساختن یک عبارت از سایر عبارات، با تغییر شکلی محسوس در نحوه نگارش، عبارت با شکل خاصی نوشته می‌شد. به این کار «مشکول‌نویسی» گفته می‌شود که در تسمیه و بعدیه اسناد وجود دارد. (بخاری، ۱۳۷۲،

ص ۳۷۳)

د. سیاق‌نویسی

حساب سیاق متداول در ایران بر دو نوع بود: حساب سیاق نقدی (پول) و حساب سیاق جنسی (اوزان کالا). واحد حساب سیاق نقدی دینار بود. در مجموعه اسناد، یک نمونه سند دارای «سیاق‌نویسی» (سیاق نقدی) است. صورت سیاق‌نویسی در این اسناد به این شکل است که علاوه بر نگارش سیاق با حروف فارسی، بر روی آن سیاق اعداد را آورده‌اند. نمونه دوم سیاق‌نویسی به این صورت است که مصارف درآمد موقوفه در رقبه آمده و ذیل آن فقط صورت سیاق حساب را به صورت کشیده نوشته‌اند.

۳. سطور (تعداد، انتها، فاصله)

تعداد سطور وقف‌نامه در اسناد این پژوهش، بین ۱۴ تا ۳۴ سطر بوده؛ اما بیشتر اسناد بین ۱۵ تا ۱۹ سطر است.

در دوره قاجار، سطرها را گاهی در امتداد خطی راست می‌نوشتند و گاهی پس از شروع سطر، به تدریج که به سمت چپ کاغذ نزدیک می‌شد، انحنايي به طرف بالا به خط می‌دادند، تا آنکه سطر به صورت قوسی درمی‌آمد و در هر حال، حاشیه‌ای در سمت راست کاغذ می‌گذاشتند. بعد از دوره صفوی، دبیران و منشیان دربارهای افشار، زند و قاجار به تدریج خود را از قیود زمان‌های پیش خارج کردند؛ به این معنی که رعایت حفظ فواصل بین خطوط و موضوع نقطه و اعراب و مد را دیگر واجب ندانستند. (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۲۷۳)

۴. زبان

بیشتر وقف‌نامه‌های دوره قاجار به زبان فارسی و تعداد کمی به عربی است. عمده وقف‌نامه‌ها توسط عالمان یا طلاب علوم دینی نگاشته شده است. (حسینی اشکوری، ۱۳۹۰، ص ۷۰)

۵. موقعیت مکانی

اینکه وقف‌نامه در کجای یک صفحه نوشته می‌شده، قانون خاصی نداشته است. اگر شخصی به دنبال یک وقف‌نامه در یک صفحه شلوغ می‌گردد، باید حتماً تمام صفحه را با دقت نگاه کند؛ زیرا وقف‌نامه‌نویس آن را در هر مکان خالی که می‌یافته، می‌نوشته و مقید به فراز صفحه یا وسط یا سمت راست و چپ نبوده است. حتی گاهی آن را چلیپا در وسط صفحه نوشته است. (همان)

دوم. ساختار ظاهری حاشیه وقف‌نامه

حاشیه وقف‌نامه شامل اجزایی است که به صورت پراکنده در اطراف متن اصلی قابل مشاهده است و هر کدام از این اجزا که در حاشیه آمده، تقریباً جایگاه مخصوص و مشخصی دارد. (شایان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۴۶)

۱. تسمیه

این عبارت با نام‌های «تحمیدیه» و «بسم‌له» هم شناخته می‌شود و در اسناد شرعی، بسته به نوع سند ممکن است به صورت‌های متفاوتی نگارش شده باشد. جایگاه این عبارات در قسمت میانی و بالای اسناد است. در برخی از وقف‌نامه‌ها هم دو تسمیه را می‌توان مشاهده کرد که در کنار هم یا با فاصله از یکدیگر نگارش شده‌اند.

۲. تأیید متعاقدان

در بعضی از اسناد تحت بررسی، تأیید متعاقدان در حاشیه متن اصلی قابل مشاهده است. این ساختار که در سطر پایانی و پس از ذکر تاریخ تحریر، به «نقش مهر» واقف مهمور شده حاکی از تأیید مندرجات وقف‌نامه است. در تعدادی از اسناد هم عبارت «صحیح است محل انگشت...» وجود دارد.

۳. نسخ همسنگ

نقش سند در دوام تعهدات، دلیلی بر تهیه چند نسخه از یک سند بوده است. برای اسناد گوناگون، از قبیل وقف‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، مبیعه‌نامه‌ها و مانند آن می‌توان نمونه‌هایی ارائه کرد. نحوه تشخیص نسخ همسنگ از غیرهمسنگ با استفاده از عباراتی نظیر «ذلک علی نسختین»، «هذا الكتاب علی نسختین»، «نسختین است» میسر می‌شود که در برخی از وقف‌نامه‌ها، به چشم می‌خورد. جایگاه این عبارت در بالای سند و در فاصله کمی از سطر اول است که معمولاً نگارش آن برخلاف جهت متن اصلی است.

۴. متمم

«متمم» یا «تکمله» در فرهنگ‌نامه به معنای تمام‌کننده و کامل‌کننده است. متمم در نگاه اول، می‌تواند شبیه تأییدیه شاهد و یا حتی ادامه مطلب متن باشد. متمم‌ها عموماً در رویه کاغذ و در فضاهای خالی نوشته شده است. این بخش جزو متن بوده و معمولاً با همان مرکب و قلم تحریر شده و توسط معامل یا مجتهد مهر گردیده است. در صورت عدم رعایت این نکات، سند، انگ دخیل و تصرف می‌خورده است. متمم‌ها بیشتر با واژگانی از قبیل «توضیحاً...»، «توضیح آنکه...» و «توضیح اینکه» شروع شده و دربردارنده مضمونی کاملاً مرتبط با متن است.

تاریخ‌گذاری متمم‌ها چندگونه است. برخی از آنها با کلماتی همانند «فی تاریخ المتن» یا «فی شهر متن» خاتمه یافته است که دلالت بر این دارد که خواننده به تاریخ انتهای متن مراجعه نماید. (همان) جایگاه نگارش متمم حاشیه سمت راست اسناد، و جهت نگارش آن خلاف جهت متن اصلی است.

۵. درهامش

«درهامش» یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های سندنویسی است. منظور از «درهامش»، انتقال اجزایی از متن به محدوده شخصی از فضاهای خالی صفحه - چه در سمت راست و چه در

بالای سطور متن - است. محرر وقتی در متن به محل کلمه و ترکیبات به هامش برده شده رسیده، بین کلمه پیش و پس آن فاصله انداخته، با ترسیم یک خط مورب نسبتاً کشیده، خواننده را متوجه وجود یک یا چند کلمه در محل علامت‌گذاری شده، نموده است. (همان)

۶. معروف و معرف

در خصوص این عبارت کتاب و جیزة التحریر این گونه بیان می‌دارد: «معروف آن است که حاکم شرع خود، او را می‌شناسد.» (اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶) در بعضی اسناد هم عبارت «معرفه» یا «معرف» وجود دارد که این عبارت از جانب کسی است که او را بشناساند. جایگاه نگارش این عبارت با توجه به اینکه برای شناساندن شهود است، در ذیل سجّلات ایشان مشاهده می‌شود که عموماً حاشیه سمت راست سند را دربر می‌گیرد. (همان)

۷. سجّلات

خبر (گواهی) مکتوب مهمور یا ممضی را «سجل» گویند. سند، همانند ترازوی دوکفه‌ای، «متن» و «سجل» دارد. سجّلات از حیث رجال‌شناسی مهم هستند. عجیب نیست اگر عالمی بر یک سند، سجلی مفصل نوشته و بر سندی دیگر به سجل مختصر بسنده کرده باشد. مهم خط و سجع اوست. عبارت هر سجلی، همانند متن، اجزای مشخصی (بسمله، دیباچه، رکن‌کلام، خاتمه) دارد. سجّلات را نمی‌توان هم‌ارزش به حساب آورد؛ زیرا علاوه بر مضمون، مقام و جایگاه اجتماعی و اجرایی افراد در زمان وقوع عقد نیز دگرگون می‌شده است. بنابراین، سجّلات را می‌توان به چند دسته، شامل «سجل وقوعی»، «سجل اعترافی»، «سجل شهود» و «سجل مطابقه‌ای» تفکیک کرد. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)

الف. سجل وقوعی

عرف بوده که اصحاب حل و عقد و امنای شرع، وقوع عقد را در منتهی‌الیه رویه سند می‌نوشتند. بر کاغذ هر عقدی، سجل وقوعی مخصوص همان عقد نوشته شده است. البته

سجلاّت وقوعی از نظر فهرست‌نویسی و سندشناسی نیز حایز اهمیت است؛ مثلاً در زمان فهرست‌نویسی، چنانچه نامگذاری سند دشوار باشد، با مطالعه آن می‌توان متوجه نوع عقد شد و بر آن اساس، نام سند را نوشت. نمونه‌ای از سجلاّت وقوع عقد «قد وقع الوقف الصحيح الشرعی طبق ما رقم» است. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۹)

محل رایج سجلاّت وقوعی بیشتر گوشه سمت چپ و بالای سند و یا گوشه بالای سمت راست است. این اظهارات علاوه بر اینکه با توجه به تفاوت دست‌خط بین متن اصلی و متن سجل قابل شناسایی است، به صورت‌هایی نظیر «خلاف مسیر نگارش متن اصلی و به صورت مایل» یا «ایجاد فاصله بین متن و سجل با مهر» قابل تشخیص است. (شاپان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۵۳)

ب. سجل اعترافی

چون بیشتر علما گزارش مبنی بر اعتراف معامل و متعامل را کافی می‌دانسته‌اند، صرفاً می‌نوشته‌اند: «اعترفت بالصلح» یا «قد اقرّ الواقف المعظم الیه بجمیع ما فیه من المتن و الهامش». این سجلاّت را که حاکی از عمل و قصد صاحب سند است، «سجل اعترافی» می‌گویند، اما نمی‌توان آن را از نظر ارزش حقوقی با سجل وقوعی برابر دانست. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۲۰)

ج. سجل شهود

«سجل شاهد»، گواهی حضور او بوده که از طریق سمع و بصر برایش حاصل شده است؛ مثلاً می‌نوشت: «شهد بما فیه». البته کیفیت و تعداد سجل شهود قباله‌ها نسبت به استشهادیه متفاوت است.

د. سجل مطابقه‌ای

رونوشت / سوادها سجلی مخصوص به خود دارند. فحوای این سجل مبنی بر «تصدیق سواد» است؛ بدین معنی که این سجل به سواد خاصیت و ارزشی همسنگ اصل سند می‌بخشد. این

سجل به صراحت موضوع را یادآور شده است. این سجل را که الگوهای گوناگونی داشته، علاوه بر عربی به فارسی نیز نوشته‌اند؛ مثلاً، «بین ذا و اصله طباق و وفاق»، «ذا و اصله سیان»، «السواد مطابق لاصله»، «هذا موافق لاصله الاصيل» یا «سواد با اصل مطابق است.» (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۲۰)

سجل مطابقه‌ای بیشتر اوقات توسط علمای مشهور نوشته می‌شد. بنابراین، سجل مزبور، معروف‌ترین امنای شرع را در دوره‌ای که استنساخ انجام شده است، معرفی می‌کند. همان‌گونه که سجل وقوعی برای آشکار ساختن جغرافیای محل تحریر اولیه سند بسیار مهم است، سجل مطابقه‌ای هم جغرافیای محل استنساخ سند را آشکار می‌سازد. گاهی قبل از این سجل، شخص دیگری که رونوشت را با اصل مقابله می‌نمود به اختصار، سجلی مبنی بر انجام مقابله می‌نوشت: «مقابله شد.» (همان، ص ۲۱)

۸. مهر و امضا

«مهر» یکی از مهم‌ترین بخش‌های سند محسوب می‌شد و به آن ارزش و اعتبار می‌داد و به طور کلی، پژوهشگر را در شناسایی‌اش یاری می‌رساند و بسیاری از ابهامات مربوط به آن را برطرف می‌ساخت. یکی از انواع اسنادی که مهر در آن اهمیت دارد، وقف‌نامه است. در گذشته، نوشتن وقف‌نامه در شهرها با حضور چند تن از بزرگان، علما، شیوخ، اعیان و اشراف و در روستاها با حضور کدخدا صورت می‌گرفت؛ یعنی سندی را تنظیم می‌کردند و در آن، شرایط و مصارف وقف نوشته می‌شد. سپس واقفان برای رسمیت بخشیدن به سند وقف‌نامه، علاوه بر اینکه خود بر آن مهر می‌زدند، چند گواه که معمولاً از بین علما و بزرگان محل بودند، سند را مهر می‌کردند و در دفترهای رسمی ثبت می‌نمودند.

برای مثال، در خصوص وقف‌نامه بانو گوهرشاد آغا، بانی و مؤسس مسجد «گوهرشاد» مشهد نوشته‌اند؛ هنگامی که او وقف‌نامه مسجد را تنظیم کرد و رقبات را تحویل مسجد داد و وظایف متولیان و کارگزاران آن را مشخص ساخت، وقف‌نامه را به امضا و مهر علما، صدور، رجال و اعیان رسانید. (عطاردی، ۱۳۷۱، ص ۷۵۴)

آنچه در آغاز صورت می‌گرفت، معمولاً امضای همراه با اسامی اشخاص بود که در اسناد ذکر می‌شد. رئیس‌الوزراء و وزیران نیز برای تأیید اسناد و نامه‌ها، از امضا استفاده می‌کردند. مهر در زمان خاصی کنار گذاشته شد، بلکه تا سال‌ها پس از امضا، تلفیقی از مهر و امضا وجود داشت. البته این امر بیشتر مربوط به رجال مذهبی و سنتی بود، ولی در برخی ادارات نیز استفاده می‌شد. (سمساری، ۱۳۴۶، ص ۱۰۸-۱۰۹)

محل نقش مهرها در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران در قسمت بالا و در کنار و ابتدای سطر نخست قرار داشت، مگر در موارد خاص که سلطان یا حاکم در حاشیه سند مطلبی می‌افزود و یا آن را تأیید می‌کرد که در این صورت مهر او در کنار دست‌نوشته‌اش مشاهده می‌شود. در اسناد عادی، جای مهر در انتهای نوشته‌ها، یعنی در قسمت پایین سند است. نوع خط استفاده شده در مهرها، نسخ، ثلث و نستعلیق و گاهی ترکیب ثلث و نستعلیق است. در دوره‌های گوناگون، شکل مهرها بسیار متنوع و قابل توجه است. (همان، ص ۶۳)

۹. اصل و سواد / رونوشت

به سندی که در زمان وقوع عقد نوشته شود «اصل» گویند، و اگر همان سند در وقت دیگری نوشته شود، به آن «سواد» گفته می‌شود. (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۲۴) تجدید سند به معنای «تکثیر و تازه کردن سند» در طول زمان معادل دیگری برای تعریف سواد سند است. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۲۴) بین سندی که در زمان وقوع عقد نوشته شده و به امضای حاضران مجلس رسیده، با همان سند که در وقت دیگری تهیه شده است، تفاوت‌هایی وجود دارد. از این رو، یکی را «اصل» و دیگری را «سواد / رونوشت» نامند. سوادها به ندرت از تصرفات در امان مانده‌اند. علاوه بر این، سوادها اغلب بدخط و ناخوانا و از نظر صوری به اصل شبیه نیست. این تفاوت‌ها ناشی از خسته‌کننده بودن کار نسخه‌برداری، بی‌اطلاعی از متون سندنویسی، بی‌دقتی و کم‌حوصلگی، قطع و وصل عمل نوشتن به سبب مرگب برداشتن، نامرغوبی مرگب و کاغذ و قلم، تنوع مطالب متن، پایین بودن رتبه علمی استنساخ‌کننده از محرر شرع، و تفاوت زبان نسخه‌برداری با برخی واژگان و ترکیبات بوده است. (همان، ص ۳۳) هر رونوشت توسط سه تن تهیه می‌شد: ۱. سوادنویس؛ ۲. مقابله‌نویس؛ ۳. مطابقه‌نویس. (رضایی، ۱۳۸۱، ص ۹۴)

ساختار محتوایی وقف‌نامه‌ها

یک. تسمیه

عباراتی که در ابتدای وقف‌نامه‌های بانوان در این دوره به‌کار رفته، عموماً با کلمات و اصطلاحات عربی شروع شده و در بیشتر وقف‌نامه‌ها مشابه است و از خصوصیات متداول اسناد و متون آن زمان به شمار می‌رود؛ مانند: «هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ» و در بعضی وقف‌نامه‌ها عبارت «المطلع على السرائر» هم به آن افزوده شده و پس به معرفی بانوی واقف پرداخته‌اند. (ایرانخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲)

بسیاری از سندپژوهان، این رکن را «بسمله» نامیده‌اند. با توجه به اینکه بسمله در بردارنده معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است (دهخدا، ۱۳۷۲، ۵۸۹۳) و از بین اسناد تنها شش نمونه دارای بسمله است و در بین اسناد موضوع پژوهش، گاهی از عباراتی مانند «هُوَ اللَّهُ تَعَالَى»، «بِسْمِ اللَّهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ»، «هُوَ الْمَوْفِقُ لِلْخَيْرَاتِ»، استفاده شده است. «تسمیه» به معنای نام خدای گفتن بر چیزی است. تسمیه‌های به‌کار رفته در اسناد پژوهش، تنوع زیادی دارند که در بین آنها عبارت «هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ» بیشترین کاربرد را دارد. همچنین بعضی اسناد دارای دو تسمیه است؛ مانند عبارت «هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ» «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که بیشترین کاربرد را دارند. از بین اسناد این پژوهش، یک نمونه دارای سه تسمیه است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى» «هُوَ الْوَاقِفُ». سایر تسمیه‌هایی که به صورت پراکنده در وقف‌نامه‌ها وجود دارند عبارتند از:

- هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ؛
- هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ تَعَالَى شَأْنَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛
- هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ وَالسَّرَائِرِ؛
- هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى السَّرَائِرِ؛
- هُوَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛
- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ هُوَ الْوَاقِفُ عَلَى الضَّمَائِرِ.

دو. دیباچه

«دیباچه یا سرآغاز»، شرحی است که در ابتدای اسناد و قبل از ورود به متن اصلی نگاشته و به آن «خطبه» هم گفته می‌شود و به معنای کلامی است که در ستایش خداوند و نعت نبی و موعظه خلق باشد. (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۹۹۸۷)؛ در اسناد بررسی شده، ۸ سند بدون دیباچه و ۲۷ سند دارای دیباچه است. بر اساس نمونه‌های موجود، می‌توان دیباچه را به دو دسته کلی «دیباچه‌های تک‌زبانی» و «دیباچه‌های دوزبانی» تقسیم کرد.

در دیباچه‌ها و عموماً در دیباچه‌های عربی سه رکن اصلی موجود است: ۱. تحمیدیه یا حمد و ستایش؛ ۲. صلوات بر حضرت محمد ﷺ؛ ۳. سلام و درود بر ائمه اطهار. دیباچه‌های دوزبانی دارای تعابیر ادیبانه و همچنین آوردن مصداق آیات قرآن کریم و احادیث درباره اهمیت وقف است. در تعدادی از اسناد، پس از «بعديه»، دیباچه دیگری مختص موضوع وقف با تکیه بر مصادیق آیات قرآن و احادیث وجود دارد.

۱. بیان رضایت

گاهی نمونه عباراتی برای بیان رضایت در وقف‌نامه‌ها به کار می‌رود؛ از جمله: «در حال صحت نفس و ثبات عقل»، «در حال صحت مزاج و ثبات عقل و دوام هوش».

۲. بیان نیت

از جمله نمونه‌های بیان نیت در وقف‌نامه می‌توان به «تَقَرَّباً إِلَى اللَّهِ وَ طَلَباً لِمَرْضَاتِهِ وَ دَخِيرَةً يَوْمَ الْمَعَادِ» و «فُرْبَةً إِلَى اللَّهِ وَ طَلَباً لِمَرْضَاتِهِ» اشاره کرد. در تعدادی از اسناد هم هر دو نیت و رضایت به دنبال هم آمده است.

۳. بعديه

«بعديه» را می‌توان از ارکان فرعی وقف‌نامه قلمداد کرد که به نوعی رابط بین دیباچه و ورود به متن اصلی است. بیشترین عباراتی که به عنوان «بعديه» در اسناد نگارش شده «بعد الحمد و الصلوة»، «عن الحمد و الصلوة»، «و اما بعد»، «بعد الحمد و الثناء»، «اما بعد الحمد و الصلوة» است.

۴. غرض از تحریر

عبارت «غرض از تحریر» از جمله ارکان فرعی است که معمولاً در بیشتر وقف‌نامه‌ها آمده است.

۵. حضور در دارالشرع (محل وقوع عقد)

«دارالشرع» مسندی است که زعیم آن یک مجتهد بود؛ کسی که به مرحله‌ای از علم رسیده است که می‌تواند احکام شرع را از روی ادله اربعه (کتاب‌خدا، سنت، عقل و اجماع) استخراج کند یا عالمی که در علم فقه به درجه اجتهاد رسیده است و مسائل شرعی را از قرآن استنباط می‌کند. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۷۰)

اسناد شرعی در «محضر» یک مجتهد یا شخص ذی‌صلاح تحریر می‌شده است. از بررسی اوراق حکیمه برجای مانده چنین برمی‌آید که این مجتهدان در سند، خود را «خدامان شریعت مطهره» می‌خواندند. در پایان سند نیز در «محل» ویژه‌ای، بسته به سبک هر مجتهد، سجع مهر و سجل خود را منقوش می‌ساختند. (سلیمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۲) چون مجتهدان و عالمان سرشناس بخشی از وقتشان را برای رسیدگی به امور اجتماعی مردم اختصاص می‌دادند، برای این مناسبات مکانی ویژه نیاز بود. برخی از مجتهدان در خانه خود به دادرسی می‌پرداختند. برخی نیز به «محضر» ایشان می‌رفتند. اما به تدریج، مکان ویژه‌ای به وجود آمد به نام «دارالشرع» که به صورت تخصصی به دعاوی و مناقشات عمومی مردم رسیدگی می‌کرد و ساختار ویژه‌ای داشت. در دارالشرع - دست‌کم - یک «مجتهد» و تعدادی «محرر» و «ملازم» بودند که هر یک وظیفه‌ای خاص داشتند. (سلیمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

ساختار دارالشرع

اول. مجتهدان

محرران در هنگام سوادبرداری از اسناد و در هنگام نگارش سجع مهر مجتهدی که سند را سجل کرده بود، نام وی را می‌نوشتند و در آخر به آن کلمه «مجتهد» را اضافه می‌کردند.

بنابراین، یکی از راه‌های سجعیابی مجتهدان از طریق همین سوادها صورت می‌گیرد. مهم‌تر اینکه از طریق همین متن، سجع و سجع مهرها می‌توان مجتهدان کمتر شناخته شده را شناسایی کرد. کم نیستند مجتهدانی که دارای آثاری مدون نبودند و جز سجع مهری بر سند، نقشی از آنها برجای نمانده است. (همان، ص ۴۷) جایگاه مهرمجتهدان در وقف‌نامه‌ها در بالای سند است.

ثانی. محرران

گاهی در لابه‌لای سطور اسناد، در دنباله، نام اشخاص آنها ذکر می‌شد. برخی از این اشخاص دیگر وجود ندارند و مشخص نیست که سازوکار آنها در آن روزگار چه بوده است، اما با در نظر گرفتن «تکرار و جای گشت» کلمات خاص در مجموعه‌ای از اسناد یک دوره که از حیث ساخت و بافت ویژگی‌های مشترکی دارند و با رویکرد بسامدی به آنها، می‌توان قواعدی را استخراج و سپس آنها را طبقه‌بندی کرد. (همان)

همچنین عناوین «الذاکرین»، «الشریف»، «الشریعه» و «خادم» که در پسوند مهرها و پس از یک نام آمده، متعلق به طبقه‌ای از محرران بوده است که در محاضر و محکمه‌های دارالشرع فعالیت می‌کردند.

ثالث. ملازم

برای محرری و وکالت دارالشرع، می‌بایست مدتی را در محضر «ملازم» می‌بود و کار می‌آموخت. خط نیکو و خوانا، دقت در مقابله و رونوشت‌برداری و قدرت مشاهده بالا در خوانش سجع، یک «ملازم» را در پیشرفت کاری‌اش یاری می‌رساند. از این طبقه احتمالاً به سبب دون‌پایگی در دارالشرع، سجع‌چندانی در اسناد برجای نمانده است. (همان، ص ۴۸) در تعدادی از وقف‌نامه‌ها عباراتی وجود دارد که نشان می‌دهد نگارش وقف‌نامه‌ها در محضر شرعی صورت گرفته است. در این پژوهش، تنها در یک سند از این عبارات به کار رفته است: «حضور بهم رسانید در عالی محفل شرع مطاع لازم...»

شش. مشخصات واقف

برای شناخت افراد در هر دوره‌ای از تاریخ، شیوه یا قاعده‌ای خاص در میان نبود و صور خطاب همواره متعدد و متفاوت بود. (بیرونی، ۱۳۵۲، ص ۱۱۲) تا قبل از سال ۱۳۰۴ ش، نام افراد به همراه نام پدرانشان می‌آمد. گاهی در وقف‌نامه‌ها نام واقفه ذکر نشده است؛ شاید بدان علت که در گذشته برخی نویسندگان وقف‌نامه‌ها علاقه‌ای به عنوان نام همسر یا سایر محارم خود نداشته‌اند. در این موارد، نام واقفه با آوردن عباراتی مانند «صبیه»، «بنت»، «فرزند»، «خواهر»، «دختر» یا «همسر» قبل از نام پدر یا برادر و یا همسر آن واقفه ثبت شده است. (ایرانخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵)

بعضی از وقف‌نامه‌ها در کنار نام واقف خانم، نام پدر همراه با القاب آمده است. در بعضی از وقف‌نامه‌های بانوان، علاوه بر نام پدر، نام همسر زوجه و برادر او هم آمده است. در دو نمونه از وقف‌نامه‌های موجود، خانم به همراه همسرش واقف هستند و در یک نمونه هم در کنار نام خود، نام پدرش نیز آمده است.

هفت. القاب واقفان زن در دوره قاجاریه

زنان در دوره قاجار به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ دسته اول زنان طبقه معمولی جامعه و یا جزو سادات و یا وارثان علما و فضلا بودند. در عناوین و القاب به کار رفته برای این گروه بیشتر به عصمت و پاکدامنی‌شان اشاره می‌شد؛ مانند «عصمت‌پناه و عفت‌پناه» یا «عصمت و عفت‌مآب».

بعد از این به ایمان و تقوای واقف اشاره می‌شد؛ مثلاً «سعادت و شرافت»، «خداوت و طهارت دستگاه مخدّره». اگر واقفان جزو سادات بودند، از عنوان «سیده»، «سیادت‌پناه» یا «معظمه مکرمه» برایشان استفاده می‌گردید.

دسته دوم زنانی که جزو خانواده‌های اشراف بودند. پس از به کار بردن القابی مانند «علیاحضرت»، «عالی‌شأن»، «عالی‌حضرت»، «جناب‌علیا»، «علیاجاه»، «علیاشأن»، «علیاجانب» یا «خیریت‌مال علیاجاه» که نشان‌دهنده وابستگی آنها به مقامات مهم دربار و سلطنت

بود و سپس آنها را در سیرت و پاکدامنی، داشتن مقام بالا و خصوصیات اخلاقی خوب به زنان معروف تاریخ که نام آنها در قرآن ذکر شده، مانند حضرت مریم مقدس، آسیه و بلقیس ملکه سبا و زنان معروف تاریخ اسلام مانند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حضرت خدیجه علیها السلام تشبیه می‌کردند. چهره و صورت آنها را به خورشید و ماه تشبیه می‌نمودند و در انتها هم به پاکدامنی و پاکیزگی آنان اشاره می‌کردند. (سوزنجی کاشانی، ۱۳۹۳، ص ۲۹)

هشت. اظهار صیغه

«صیغه وقف» از دو کلمه «صیغه» و «وقف» تشکیل شده است. «صیغه» یعنی: شکل و هیأت، و در اصطلاح عبارت است از: الفاظ و عباراتی که مراد متکلم و نوع تصرف او را بیان می‌کند. بنابراین، «صیغه وقف» چیزی است که واقف با آن مرادش را از وقف بیان می‌کند. «صیغه وقف» جزو ارکان اصلی وقف‌نامه به شمار می‌رود. از پرکاربردترین عبارت صیغه وقف «وقف مؤبد و حبس مخلص نمود...» و «وقف مؤبد شرعی و حبس مخلص ملّی نمود...» است. در تعدادی از اسناد، صیغه وقف با موقوف‌علیهم در کنار هم آمده‌اند.

نه. موقوفه و لواحق و توابع آن

مالی که وقف آن از حیث داشتن شرایط صحت، تمامیت یافته و دارای شخصیت حقوقی شده، «موقوفه» نامیده می‌شود. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۴) بیشترین نوع موقوفات در اسناد تحت بررسی، مربوط به «آب و زمین» است و نوع رقبات مربوط به «حوالی، دکان، کاروانسرا، حمام، منزل، مسجد و مانند آن» خلاصه می‌شود.

با توجه به کم‌بها بودن برخی رقبات از حیث مادی، شاید چنین استنباط شود که بیشتر این بانوان از طبقه متوسط جامعه آن دوره بوده‌اند؛ اما با دقت در القاب و عناوین آنان که دارای لقب «حاجیه» و «کربلائی» هستند، نمی‌توان همه را از اقشار متوسط دانست؛ زیرا سفرهای زیارتی در آن زمان به علت کمبود امکانات حمل و نقل، پرهزینه‌تر از امروز بود

و این نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از بانوان دارای تمکن مالی متوسط به بالا بوده‌اند. (ایرانخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۸۳) از نکات مهم، مقدار و وزن آن و اصطلاحاتی است که در این اسناد اهمیت دارد. اصطلاحات به شرح ذیل است:

الف. اصطلاحات مربوط به آب

- استار / استیر / ستیر / اشتار: هم نوعی مسکوک و هم واحدی است در وزن. در بعضی مناطق واحدی در آب قنات به اعتبار مقدار آب قنات و نیز واحدی در تعیین مساحت اراضی مزروعی با همان آب قنات است. (دیانت، ۱۳۷۵، ص ۲۸)
- تسو: در اصطلاح، به یک بیست و چهارم حصه هر چیز گفته می‌شده است. (روستایی، ۱۳۹۵، ص ۴۱۰)
- سهم: در لغت، به معنای حصه و بهره و در وقف‌نامه، عبارت از سهمی از آب قنات یا کاریز است که وقف شده است. (همان، ص ۴۲۴)
- جرّه: واحد اندازه‌گیری آب را می‌گویند. (همان، ص ۴۱۰)
- حبه: واحد سطح، مقیاس زمین که مقدار آن در نواحی گوناگون فرق می‌کرد، واحد وزن، واحد آب. (همان، ص ۴۱۰)
- شبانه‌روز: مقیاسی است برای زمان که کم و بیش مساوی حرکت وضعی زمین است و شامل ۲۴ ساعت می‌شود. (دیانت، ۱۳۷۵، ص ۲۸۱)
- ثمن: یک هشتم از میزان کل یک واحد را می‌گویند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶۳۹۹)
- طاق: مقدار آبی است که از یک چشمه، قنات در دوازده ساعت جاری می‌شود. (دیانت، ۱۳۷۵، ص ۲۹۹)

ب. اصطلاحات مربوط به زمین

- جریب: نماینده مساحتی است که از چهارصد مترمربع تا ده هزار متر مربع یا یک هکتار متفاوت است. (همان، ص ۴۱۳)

- دانگ یا دانق: یک ششم از هر چیزی را می‌گویند. (همان، ص ۴۱۹)
- قطعه: پاره‌ای از هر چیز را گویند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵۵۸)
- بذرافشان: مقدار زمینی که یک من تخم گندم یا جو در آن توان افشاند. (فروغی اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲)
- من: علاوه بر واحد اندازه‌گیری وزن، واحد اندازه‌گیری زمین هم محسوب می‌شود. (دیانت، ۱۳۷۳، ص ۳۲)

ج. اصطلاحات مربوط به دکان

- باب: یکی از آحاد اندازه‌گیری طول در قدیم بوده و مقدار آن را یک دهم «اشل» و معادل شش‌گز دانسته‌اند. با توجه به طول «اشل»، طول باب برابر با $\frac{3}{72}$ و یا $\frac{3}{946}$ یا تقریباً چهار متر است. (همان، ص ۵۴)
- دربند: مرکب از: در باب + بند (بستن) است و در اسناد این مجموعه به صورت «یک در بند حوالی»، «یک دربند دکان» استفاده شده است. (همان، ص ۲۰۵)
- دست: این نوع مقیاس برای پنج نوع اندازه‌گیری استفاده می‌شود: ۱. تعداد مخصوصی از اشیا و یا خانه و آپارتمان با تمام بخش‌ها؛ ۲. واحد شمارش پرندگان شکاری؛ ۳. واحد اندازه‌گیری طول‌های کوچک؛ ۴. یکی از آحاد اندازه‌گیری مساحت اراضی؛ ۵. از مقیاسات اندازه‌گیری آب. (همان، ص ۲۰۷)

ده. توابع و لواحق

معمولاً املاک و مستغلات دارای جزئیات و بخش‌هایی هستند.

یازده. حدود اربعه

در تعدادی از وقف‌نامه‌ها که در آن موقوفه زمین زراعی یا باغ بوده، ذکر شده که این زمین از چهار طرف به زمین‌های چه افرادی متصل می‌شود و تا چه حدی از آن واقف است تا

متولیان و ناظران، عمداً یا سهواً، از زمین همسایه داخل در این موقوفه نکنند یا از تصرف دیگران جلوگیری به عمل بیاورند. (ایرانخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۹۴)

- بیشترین نوع بیان حدود اربعه آن است که با جزئیات بیشتر آورده می‌شود. برای مثال، «شرقاً به زمین فلانی، غرباً به زمین فلانی.»

- گاهی شناخته‌ترین حد نسبت به عین موقوفه است و به صورت کلی بیان شده است؛ مثلاً شرقاً ملک قریه فلانی، غرباً به ملک قریه فلانی، جنوباً ملک قریه فلانی.» (شایان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۷۹)

- در موقوفاتی که به جامعه شهری بستگی دارد، معمولاً با جزئیات دقیق‌تر بیان می‌شود؛ مانند «از سمت شرقی به دکان همشیره کوچک مرحومه مسماء سکینه خانم، از طرف غربی به دکان عالیجاه واقف و از جانب جنوب به شارع و از جهت شمال به خیابان ارگ سلطانی.»

دوازده. موقوف‌علیه

«موقوف‌علیه» در اصطلاح کسی است که مستحق درآمد وقف باشد. موقوف‌علیه یکی از ارکان وقف است. (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص ۳۴۷) نکته مهم آن است که در بسیاری از وقف‌نامه‌ها علاوه بر کارکرد اصلی مصرف موقوفات، کارکردهای دیگری نیز ذکر شده است، یا واقف درآمد موقوفه خود را به چند سهم تقسیم کرده و برای هر سهم مصرفی در نظر گرفته است. درواقع، بعضی از موقوفه‌ها برای هدفی معین و بعضی دیگر برای اجرای چند هدف وقف شده‌اند. به عبارت دیگر، از درآمد موقوفه‌ها استفاده چند منظوره می‌کرده‌اند. (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳)

درآمد موقوفات زنان قاجار در مصارف ذیل هزینه می‌شد:

عزاداری سیدالشهدا؛ با مروری کوتاه بر وقف‌نامه‌ها و موقوفات، اهداف و نیات گوناگونی به چشم می‌خورد و در این میان، بیشترین موقوفات به عزاداری سیدمظلومان حسین بن علی علیه السلام اختصاص یافته و طبق آمار سازمان اوقاف و امور خیریه، بیش از ۵۰ درصد موقوفات کشور ایران، به این موضوع تعلق دارد. (بیگی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۳)

عزاداری: از دوره قاجار شرکت زنان در مجالس عزاداری سیدالشهداء علیه السلام پر رونق بود و در بسیاری از خانه‌ها مجلس سوگواری برپا می‌شد. مستوفی شرکت زنان در مجالس روضه‌خوانی را چنین توصیف می‌کند: «فعال‌ترین بعد حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار، شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و نمایش‌های تعزیه بود.» (مستوفی، ۱۳۴۲، ص ۲۷۷) در بیشتر وقف‌نامه‌های این دوره، درصد چشمگیری از مصارف برای اقامه عزاداری ائمه اطهار و به‌ویژه امام حسین علیه السلام اختصاص یافته است که تقریباً این وضعیت در تمام موقوفات کشور مشاهده می‌شود. این امر حاکی از اهتمام زنان به موضوع عاشورای حسینی و تلاش برای احیای مفاهیم دینی این واقعه عظیم است.

۲۴ نمونه از اسناد پژوهش به این موضوع اختصاص دارد. در ۴ سند اصطلاح «روضه‌خوانی» به جای «تعزیه‌داری» آمده است که آشکارا نحوه مصرف وقف را نشان می‌دهد. این نوع وقف در عمل به معنای پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها و نیز فراهم آوردن قهوه، آب و غذای مجانی برای جمعیت شرکت‌کننده در مراسم عزاداری است. برای نمونه، در سه وقف‌نامه قید شده که مخارج روضه‌خوانی شامل اطعام، قلیان، اجرت و مانند آن است. همچنین یک سند هم مربوط به عزاداری شب‌قدر و امام‌علی علیه السلام است. **خیرات و مبرات:** فقر یکی از موانع پیشرفت و سعادت انسان و به فعلیت رسیدن قوه‌ها و استعدادهاست. یکی از جاهایی که وقف قادر است به طور فعال وارد عمل شود و موانع سعادت و به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان را برطرف کند، زمان فقر است. (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰، ص ۱۴۴)

مخارج اطعام در حسینییه و مسجد و تکیه: وقف مخارج اطعام، طعام عاشورا و عزاداران و همچنین اطعام صائمان را شامل می‌شد. (ملک‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۲۶۲)

وقف برای امام‌زاده‌ها: در امتداد باورهای رایج جامعه ایران در دوره قاجار و بازه زمانی پس از انقلاب مشروطه، به واسطه توجه ویژه به مناسک و مراسم شیعی، به آنچه مظهر تشیع محسوب می‌شد نیز توجه می‌کردند؛ از جمله تعمیر و مرمت مزار امامان و

امامزادگان. از این رو، موقوفاتی بر این اماکن وقف می‌شد تا درآمد آنها علاوه بر تأمین هزینه مرمت و نگهداری بنا، دیگر مخارج این اماکن مقدس مانند فرش، روشنایی، بوی خوش و حتی اطعام زائران را فراهم آورد. (همان، ص ۲۶۳) سه نمونه از وقف‌نامه‌های بررسی شده در این زمینه است.

وقف آب، قنات: آب در سرزمین ایران نقش حیاتی داشته و تأمین آب و حفر قنات، به وسیله خیران، مطمح نظر بوده است. واقفان افزون بر وقف قنات و آب آن، بخشی از اموال خود را نیز صرف نگهداری و مرمت قنات‌ها کرده‌اند. هدف از وقف قنات، تأمین آب مورد نیاز شهرها و روستاها بوده است. بسیاری از مراکز فرهنگی مانند مدارس، مساجد، آب‌انبارها و مزارع کشاورزی، با وقف قنات یا با بخشی از آب یک قنات، حمایت شده‌اند. (ملاآقایی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲) البته گاهی از خیرات دیگری هم نام برده شده؛ یعنی چند مصرف برای موقوفه قید گردیده و - مثلاً - در آن هم عزاداری امام حسین علیه السلام، هم تلاوت قرآن و هم سایر خیرات و مبرات آمده است.

شرایط نوع مصرف موقوفات بانوان چندان تفاوتی با شرایط موجود در موقوفات آقایان نداشته و بیشتر وقف برای عزاداری سیدالشهداء علیه السلام بوده و فقط تعداد رقبات وقف‌نامه‌های آقایان بیشتر بوده و آن هم چنان که مشخص است به علت بیشتر بودن میزان ثروت شخصی آنان بوده است. بانوان خیر که غالباً جزو طبقه متوسط و ضعیف بودند، در جامعه آن روز که اوضاع اقتصادی هم نابسامان بود، جز مهریه و سهم‌الارث معمولاً دارایی دیگری نداشتند. گذشتن از همان ثروت اندک هم جز بر مبنای اعتقاد مذهبی و خیرخواهی آنان وجه دیگری نمی‌توانست داشته باشد. اما آقایان معمولاً از طبقه کسبه و تجار و روحانیان بودند و به سبب برخورداری از موقعیت اجتماعی بهتر، ثروت بیشتری داشتند و وقف بخشی از دارایی‌شان خدشه‌ای به زندگی آنان وارد نمی‌ساخت. اما با توجه به متن وقف‌نامه‌های بانوان، احتمال می‌رود که آنان تمام اموال خود را وقف می‌کرده‌اند، نه مقداری از دارایی‌شان را، مگر طبقات مرفه جامعه که دارایی بیشتری داشتند. (ایرانخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۸۱-۱۸۲)

سیزده. تولیت، سیرجانشینی و انقراض

«متولی» کسی است که در وقف‌نامه و یا ضمن تشکیل وقف از طرف واقف، برای اداره عین موقوفه معین شده باشد. از نظر قانون مدنی، متولی پس از قبول سمت تولیت، حق استعفا ندارد (بیگی، ۱۳۹۱، ص ۳۲) دو نوع متولی وجود دارد:

متولی منصوص: کسی است که اداره موقوفه را بر عهده دارد و همانند مدیرعامل و دیگر اشخاص حقوقی است. این شخص معمولاً مستقیم یا غیرمستقیم، از طرف واقف معین می‌گردد و طبق مندرجات وقف‌نامه به این سمت شناخته شده است. (امینیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱)

متولی منصوب یا متصدی: اگر در وقف‌نامه متولی معین نشده باشد و یا وقف‌نامه از بین رفته و معلوم نباشد چه کسی متولی بوده و یا شرایطی که برای متولی در وقف‌نامه پیش‌بینی شده موجود نباشد و یا نتوان تولیت را بر شخص معینی تطبیق داد و نسل‌های مربوط به متولی منقرض شده باشند، نوبت به تعیین «متصدی» یا «متولی منصوب» می‌رسد که وی بتواند طبق قانون و وقف‌نامه، موقوفه را اداره کند. (همان، ص ۱۲۱)

همه وقف‌نامه‌های این پژوهش دارای متولی هستند و متولی یکی از ارکان وقف‌نامه به حساب می‌آید. در اسناد این پژوهش، یا متولی خود واقف بوده و یا تولیت را به اولاد خودش واگذار کرده است. در تعدادی از اسناد هم آن را به مجتهدان و افراد دارای اعتبار واگذار کرده که به آنها «ملا»، «مجتهد»، «حجت‌الاسلام» و «آخوند» گفته می‌شود.

از دیگر موضوعاتی که در باب تولیت باید به آن توجه داشت، مسئله «جانشینی» است که این سمت گاهی به فرزندان و وابستگان واقف محول شده است، گاهی به افرادی که در زمره روحانیان بودند و یا چون صرفاً نام ایشان قید شده و شاخصه‌ای برای شناسایی ایشان بیان نگردیده به عنوان «معمد» شناخته می‌شدند. (شایان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۸۱)

علاوه بر تعیین جانشین و یا آوردن شرط برای نسل‌های بعدی تولیت، واقف با مد نظر قرار دادن فرض انقراض اولاد ذکور، کار تولیت را به اناث و در صورتی که هر دو نسل به انقراض رسید، تولیت را بر عهده علما قرار داده است. (شایان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۸۰)

چهارده. نظارت، سیر جانشینی و انقراض

ناظر: کسی است که بر حسن عملکرد متولی نظارت دارد. (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۳۶)

نظارت استصوابی: متولی موظف است قبل از هر اقدامی از ناظر اجازه عمل بگیرد و بدون اذن او کاری نکند. (همان، ص ۳۷)

نظارت استطلاعی: متولی موظف است قبل از اقدام در امور موقوفه، مراتب را به اطلاع ناظر برساند و با او مشورت کند؛ اما در نهایت می‌تواند طبق نظر خود عمل نماید. (همان)

بررسی تولیت و نظارت موقوفات بانوان در دوره قاجار

با توجه به متن وقف‌نامه‌ها، معمولاً تولیت موقوفات با خود واقفه است و بعد فوت او در درجه اول با اکبر و اصلح اولاد ذکور آنها نسلماً بعد نسل، و در صورت نداشتن اولاد ذکور با اولاد اناث به همان ترتیب. مطابق بیشتر وقف‌نامه‌ها، در صورت انقراض اولاد متولی یا ناظر، تولیت و نظارت به اولاد یا اقوام طرف دیگر منتقل می‌شود و در صورت انقراض اولاد متولی یا ناظر یا هر دو، با مجتهد جامع‌الشرایط است. در تعداد زیادی از وقف‌نامه‌ها، ناظر تعیین نشده است. در موقوفه‌هایی که ناظر تعیین نشده، شاید علت کم بها و کم منفعت بودن موقوفه بوده که واقف نیازی به ناظر احساس نکرده و یا می‌خواسته از دخالت دیگران در این زمینه جلوگیری کند. در تعدادی هم که ناظر تعیین شده، معمولاً با این شرط همراه بوده است که متولی باید تمام اطلاعات مربوط به موقوفه، از جمله منافع و درآمد و موارد مصرف را به اطلاع ناظر برساند. حق ناظر معمولاً نیم عشر و حق تولیت یک عشر بوده که در متن وقف‌نامه‌ها ذکر شده است. تعداد انگشت‌شماری از وقف‌نامه‌ها برای ناظران، یک عشر در نظر گرفته‌اند که معمولاً این ناظران از نزدیکان واقف بوده‌اند. تعدادی از ناظران، «ناظر استصوابی» بوده‌اند و حق نظارت هم به آنها تعلق نگرفته است.

نکته دیگر اینکه ناظران در درجه اول از بین اقوام و نزدیکان تعیین می‌شدند و در درجه دوم امام جماعت یا ریش‌سفید و متدین محله بودند که این همگرایی خانوادگی و محلی را نشان می‌دهد. (ایرانخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۸۷)

پانزده. جریان یافتن صیغه وقف و انذار

جریان یافتن صیغه وقف و انذار از دیگر بخش‌های وقف‌نامه است که معمولاً در آخر وقف‌نامه می‌آید و عموماً با آیه ۱۸۱ سوره بقره (همان) مزین می‌شود.

شانزده. لعن و نفرین در وقف‌نامه‌ها

گاهی در وقف‌نامه‌های بانوان دوره قاجار، از جملاتی حاکی از لعن و نفرین بر کسانی که نوع مصرف موقوفات را تغییر دهند، استفاده شده است که نشان می‌دهد بیم تصرف موقوفه یا تغییر نوع مصرف موقوفه وجود داشته است. اما در بیشتر وقف‌نامه‌ها، جملاتی مبنی بر اینکه کسی حق ندارد نوع مصرف را تغییر دهد، آمده، بدون اینکه لعن و نفرینی شده باشد؛ مانند «لایبایع و لایرهن و لایوهب و لایغیر و لایبدل» یا جمله «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» و یا هر دو عبارت کنار هم آورده شده است.

هفده. تاریخ تحریر

«تاریخ تحریر»، یکی از مهم‌ترین ارکان وقف‌نامه محسوب می‌شود که به شکل‌های گوناگون ارقام عددی، حروفی، یا ترکیبی از هر دو ذکر می‌شود. محل نگارش تاریخ تحریر، اغلب در سطر انتهایی اسناد بوده و البته در بعضی از وقف‌نامه‌ها که دیباچه‌های دوزبانی دارند به طور خاص، روز و ماه عربی بیان شده است. (شاپان‌آذر، ۱۳۹۶، ص ۸۳) قبل از اینکه تاریخ نوشته شود با اصطلاحاتی به این رکن ورود می‌کنند؛ مانند: «تحریراً»، «تحریراً فی»، «کان ذلک»، «حرراً»، «حرراً ذلک»، «حرراً فی»، «فی التاریخ».

در خصوص شمارش روز، از اصطلاحاتی استفاده شده است؛ مانند: «غره»: روز اول ماه؛ «سلخ»: روز آخر ماه

نحوه نگارش تاریخ در وقف‌نامه‌ها به ماه‌های قمری است و گاهی القابی همراه با ماه‌های قمری آورده شده؛ مانند: «محرم‌الحرام»، «رمضان المبارک»، «جمادی‌الاول - ج ۱»، «شعبان - شهرالنبی - المعظم - شریف».

معمولاً در تمام وقف‌نامه‌ها این اعداد بر روی واژه «سنه» نوشته شده است. در تعدادی از اسناد، محرراً این واژه را به صورت کشیده نوشته تا اعداد در آن به راحتی قرار گیرند.

هجده. گواهان وقف‌نامه‌ها

در پایان وقف‌نامه‌ها، نام گواهانی مشاهده می‌شود که واقف تنظیم وقف‌نامه را به مهر آنان مه‌ور کرده است. این افراد معمولاً همه از معتمدان و بزرگان محل زندگی واقفه بوده‌اند، و اگر از طبقه روحانیت در آن روستا یا منطقه ساکن بوده، در ابتدای نام گواهان نام ایشان ذکر شده، بعد بقیه گواهان از طبقات کسبه یا اقوام و دوستان مورد اعتماد واقفه ذکر شده‌اند. نکته قابل توجه درباره گواهان این است که همه آنها از مردان انتخاب می‌شدند و شاید این به علت حضور اجتماعی کم‌رنگ بانوان آن دوره باشد که کمتر یکدیگر را به عنوان گواه انتخاب می‌کردند. «اعترفت»، «بما رقم»، «بما سطر فیه لدی حرره اقل...»، «اعترفت بما فیه لدی...» نمونه‌ای از این گواهی‌هاست.

جمع‌بندی و نتیجه

با توجه به اسناد وقف‌نامه‌های بررسی‌شده در این پژوهش، تقریباً تمام وقف‌نامه‌ها مختص اراضی مزروعی، مغازه، منزل یا زمین و در سه نمونه هم کتاب قرآن و کتابخانه و یک نمونه نیز آسیاب است.

در سال‌های اولیه دوره قاجار به ندرت وقف‌نامه‌ای از بانوان به چشم می‌خورد. بیشتر وقف‌نامه‌ها مربوط به دوره حکومت احمدشاه قاجار است. فراوانی وقف بانوان در دهه‌های اول حکومت قاجار کمتر از دهه‌های بعد است. فراوانی اسناد در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ق و در سال‌های بین ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ ق بیشتر است که علت آن این است که هرچه به دوره معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، اسناد بیشتری موجودند.

در بیشتر وقف‌نامه‌ها، موقوفات مختص عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و تعدادی دیگر مربوط به عزاداری همراه با سایر خیرات و مبرات. همچنین تأکید شده است عزاداری در همان مکان وقفی انجام شود. در متن بیشتر وقف‌نامه‌هایی که عزاداری سیدالشهداء علیه السلام محل مصرف موقوفات تعیین شده، تأکید گردیده که عزاداری باید در دهه

اول محرم باشد. در بیشتر وقف‌نامه‌ها شکل مصرف به صورت روضه‌خوانی آمده که با توجه به متن وقف‌نامه، منظور همان عزاداری سیدالشهداء علیه السلام بوده است.

با توجه به اینکه بیشتر واقفان در سطح متوسط جامعه دوره قاجار هستند، موقوفات آنها از نظر کمیت چشمگیر نیست؛ اما کیفیت مصرف آنها (عزاداری امام حسین علیه السلام)، تلاوت قرآن و مانند آن) نشان از اعتقادات عمیق مذهبی آنان دارد. از این موضوع می‌توان به این نتیجه دست یافت که از جمله موارد مهمی که یاد و خاطره حماسه‌عاشورا را نگه داشته، همین وقف‌نامه‌های مذهبی - فرهنگی است و این خود نشان‌دهنده رواج بیشتر مذهب تشیع در آن دوران است. در بعضی از وقف‌نامه‌ها عبارت «روضه‌خوانی» آمده که آشکارا نحوه مصرف وقف را نشان می‌دهد و شامل پرداخت دستمزد روضه‌خوان‌ها، فراهم آوردن قهوه، آب و غذای رایگان برای جمعیت شرکت‌کننده بود. سفارش دیگر کمک به فقرا و زوار، هزینه تحصیل و زندگی طلاب علوم دینی و تعمیر مساجد است.

وقف اموال به دست بانوان نشان‌دهنده آن است که در جامعه اسلامی، زنان همچون مردان از تمام حقوق و مالکیت برخوردار بودند. آنها خود را از جامعه جدا نمی‌دانستند و در امور عام‌المنفعه مشارکت فعال داشتند. زنان در زمینه خیرات و مبرات، با وقف اموال خود یا ارثیه و یا مهریه‌ای که به دستشان رسیده، ایفای نقش کرده‌اند.

در خصوص انگیزه‌های واقعی واقفان مرد و زن نمی‌توان بحث کرد. در هر دو نمونه واقفان زن و مرد، انگیزه کسب ثواب اخروی تا کسب اعتبار دنیوی می‌تواند وجود داشته باشد. اما آنچه مسلم است آنان برای موضوعات متفاوتی وقف کرده‌اند. گرایش‌های فکری هر دوره تاریخی، هم در نوع و کارکرد بناهای وقفی و هم شروط واقفان تأثیرگذار بوده است.

هدف واقفان از وقف بیشتر حفظ املاک از تعرض دولتیان و یا جلوگیری از تجزیه و فروش آنها و همچنین پیشگیری از بروز اختلاف بین اولاد بوده و با اختصاص سهم ناچیزی به عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام، تنها مقصد کسب وجهه مطلوب مذهبی برای خود داشته‌اند.

منابع

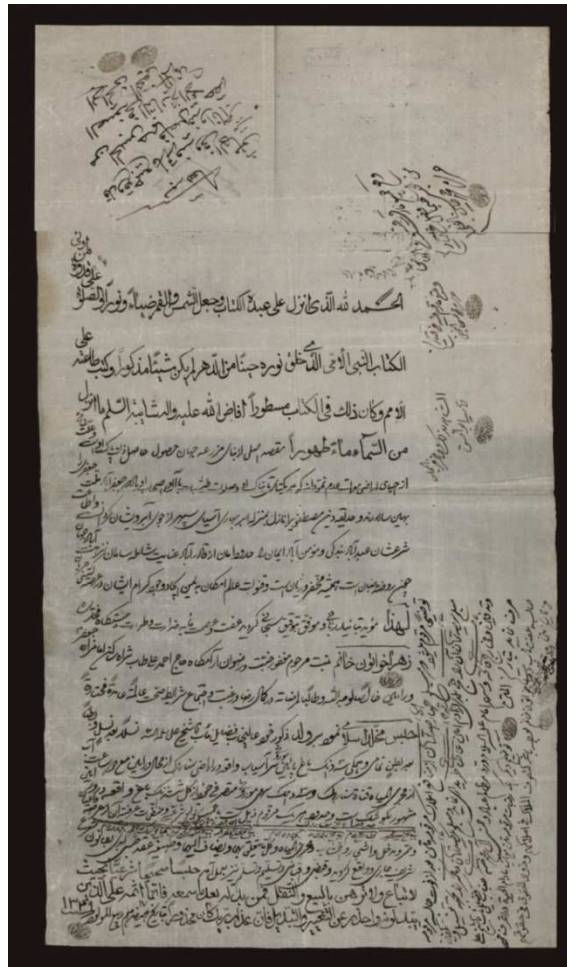
۱. اسماعیلی، محمود، و ترابی، ابراهیم (۱۳۹۶)، *وقف و مطالعه آن در قوانین، دکترین حقوقی و فقه*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۲. اصفهانی، محمد بن سبزی (۱۳۹۳)، *وجیز التحریر در چگونگی تنظیم اسناد شرعی، ملی و حقوقی در دوره صفوی و قاجار*، به کوشش رسول جعفریان، قم، مورخ.
۳. افشار، ایرج (۱۳۹۵)، *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*، تهران، میراث مکتوب.
۴. امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۱)، *وقف از دیدگاه حقوق و قوانین*، تهران، سمت.
۵. ایرانخواه، مریم (۱۳۹۴)، *وقف‌نامه‌های بانوان مشهد در دوره قاجار*، تهران، راشدین.
۶. آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۱)، *مبانی نشر کتاب*، تهران، سمت.
۷. آرشیو ملی ایران: ۲۹۳۰۱۹۷۳۴، ۲۹۷۰۳۲۳۸، ۲۹۷۲۰۵۱۹، ۲۹۷۰۲۰۵۹۱۶، ۲۹۶۱۶۵۰۸، ۲۹۶۰۲۴۰۶۷، ۲۹۶۰۱۹۷۳۰، ۲۹۷۲۱۷۱۱، ۲۹۶۰۱۶۸۵۳، ۲۹۷۰۲۲۱۴۶، ۲۹۶۰۰۵۸۳۵.
۸. آیت‌اللهی، سیدابوالحسن (۱۳۸۳)، *وقف پس‌انداز جاودانه*، مفاخر.
۹. بخاری، محمد (۱۳۷۲)، *فوائد الخطوط*، نجیب مایل هروی، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۰. بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲)، *آثار الباقیه عن قرون الخالیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، ابن‌سینا.
۱۱. بیگی، روح‌الله (۱۳۹۱)، *نقش وقف در توسعه تمدن اسلامی*، تهران، اسوه.
۱۲. *تارنمای دنیای زنان قاجار: وقف‌نامه زهرا خواتون خانم، بی‌بی خانم، حاجیه سکینه سلطان‌بیگم، خاور خانم، پرور خانم، ضیاءالسلطنه، بی‌بی فاطمه بیگم، عزت‌ملک خانم، بی‌بی بیگم*.
۱۳. حسینی، احمد (۱۳۹۰)، *راهنمای تنظیم وقف‌نامه مخصوص واقف*، مشهد، مؤسسه راهبردی علوم و معارف اسلام.
۱۴. حسینی اشکوری، سیدصادق (۱۳۹۰)، *اسناد وقف‌نامه‌های نسخه‌های خطی (بازشناسی کتابخانه‌ها بر اساس وقف‌نامه‌های مخطوطات قم)*، قم، مجمع ذخائر اسلامی.
۱۵. دستوان، احمد (بهار و تابستان ۱۳۹۸)، «سیر تطور کاغذ و کاغذسازی در دوران اسلامی»، *پژوهش در تاریخ*، سال نهم، ش ۲۳ و ۲۴.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغتنامه*، تهران، دانشگاه تهران.

۱۷. دیانت، ابوالحسن (۱۳۷۶)، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها (اوزان و مقیاس‌ها)، تبریز، نیما.
۱۸. رضایی، امید (۱۳۸۱)، «بررسی رونوشت‌های وزارت معارف و اوقاف از اصل وقف‌نامه‌ها»، وقف میراث‌جاویدان، ش ۳۸.
۱۹. _____ (۱۳۸۳)، پنجاه و یک عریضه و حکم شرعی از علمای دوره قاجار درباره امور جاری موقوفات، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه.
۲۰. _____ (۱۳۸۵)، جستارهایی در سندشناسی فارسی، دفتر اول، تهران، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف.
۲۱. _____ (۱۳۸۹)، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۲. رضایی، بهرام (۱۳۸۶)، «تاریخچه کاغذ»، کیهان فرهنگی، ش ۲۴۹.
۲۳. روستایی، محسن (۱۳۹۵)، ادبیات تاریخی و دیوانسالاری «عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه»، تهران، ندای تاریخ.
۲۴. سلیمانی، محمدحسین (۱۳۹۲)، اسناد شرعی قاجاری در خاندان میرمحمدجعفر رضوی، قم، جامع ذخائر اسلامی.
۲۵. _____ (۱۳۹۳)، «ساختار دارالشرع و سازوکار تحریر اسناد شرعی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۹۲.
۲۶. سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۰)، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، تهران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۷. سمساری، محمدحسن (۱۳۴۶)، «اسناد و مکاتبات تاریخی، فرمان‌نویسی دوره صفویه»، بررسی‌های تاریخی، ش ۲.
۲۸. سوزنچی کاشانی، علی (۱۳۹۳)، «عناوین و خطاب‌های به‌کاررفته در اسناد آستان قدس رضوی»، فصلنامه علمی و تخصصی در حوزه مطالعات آرشیوی و اسنادی، س ۲، ش ۲.
۲۹. شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۹۰)، وقف‌شناسی تهران از شهری اسلامی تا شهری مدرن، مشهد، پاپلی.

۳۰. شایان‌آذر، بهرام (بایبز ۱۳۹۶)، بررسی سندشناختی و تاریخی وقف‌نامه‌های نیشابور در دوره قاجاریه، تهران، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۳۱. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۹۰)، «ادب ممتازنویسی و سیر تحول آن در اسناد دوران اسلامی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۳.
۳۲. عتیقی، عبدالله و تونی، عزالدین و شعیب، خالد (۱۳۸۸)، فرهنگ اصطلاحات وقف، ترجمه عباس اسماعیلی‌زاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
۳۳. عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱)، تاریخ آستان قدس، تهران، سازمان چاپ و انتشارات عطار.
۳۴. عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶)، نسخه‌نامه، تهران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۵. فروغی‌اصفهانی، محمدمهدی (۱۳۷۸)، فروغستان، به کوشش ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب.
۳۶. قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی.
۳۷. کریمی، اصغر (۱۳۵۶)، «حساب‌سیاقی یا حساب‌دیناری»، فصلنامه عامه مردم، ش ۳.
۳۸. مرکز اسناد و کتابخانه آستان قدس رضوی: ۷۷۸۸۲، ۵۵۲۳، ۱۰۷۹۵، ۱۰۸۶۱۵۱.
۳۹. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، شرح زندگانی من، تهران، نشر زوار.
۴۰. معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین - همراه با تلفظ و نشانه‌های اختصاری، تهران، فرهنگ‌نما.
۴۱. ملاآقایی، ایرج (۱۳۹۳)، نقش وقف در ماندگاری آثار تاریخی و هویت ملی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۲. ملک‌زاده، الهام و افرافر، مرضیه (۱۳۹۶)، «کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان پهلوی اول»، پژوهش‌های تاریخی، ش ۳۵.
۴۳. ورنر، کریستف (۱۳۷۸)، «زنان واقف در دوره قاجار»، وقف میراث جاویدان، ترجمه نسیم قهروردی، ش ۲۸.

پیوست:

نمونه وقف‌نامه:



تاریخ: هفدهم ربیع المولود ۱۳۴۹ق

واقف: زهرا خواتون خانم

مورد مصرف: آب قنات، برای تغسیل و تدفین و رد مظالم

تارنمای دنیای زنان قاجار (متعلق به مجموعه «کارن»)، ش 1252A250

۱/ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ جَعَلَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ ضِيَاءً وَ نُوراً وَ الصَّلْوةَ عَلَى قَدْوَةٍ مِنْ أُولَى ۲/ الْكِتَابِ النَّبِيِّ الْأُمِّي الَّذِي خَلَقَ نوره حِينَا مِنَ الذَّمْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً وَ كَتَبَ طَاعَتَهُ عَلَى ۳/ الْأَلَمِّ وَ كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُوراً أَفَاضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَاطِئَهُ السَّلَامَ مَا أَنْزَلَ ۴/ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُوراً

مقصد اصلی از بنای مزرعه جهان، حصول حاصل ذات پاک اوست و علت غایی^۵ از احیای اراضی موات، عدم نمو دانه گوهر یکتای تابناک و و صلوات طیبیات با آل و اصحاب او باد در جعفر آباد ملت جعفری را^۶ بهین سالارند و صدیقه دین مصطفوی را نازل به منزله ابر بهاری آسیای سپهر از جوی آبرویشان کرده است و اطاعت^۷ شرعشان عبدآباد بندگی و مؤمن آباد ایمان را حدود امان از قادر آباد عنایت شلمله سلمان زهت آباد جهان^۸ چون روضه چنان است همیشه مغخر و ریان است و قنوت عالم امکان به یمن ایجاد وجود کرام ایشان در عرصه گیتی جریان^۹ لهذا مؤید به تأیید ربانی و موفق به توفیق سبحانی گردید عفت و عصمت مابه خدات و طهارت دستگاه مخدره^{۱۰} زهرا خاتون خانم بنت مرحوم مغفور جنت و رضوان آرامگاه حاج احمد علی طاب تراه رکنی املزاده جعفر^{۱۱} ورامین خالصاً لوجه النبیّه و طلباً لبرضا نه در کمال رضا و رغبت و اجتماع شرایط صحت عالمته عامده مختاره^{۱۲} حبس مغلد اسلامی نمود:

بر ولد ذکور خود عالی جناب فضایل مآب آقا شیخ علی سلمه الله نسلأ بعد نسل و بطنأ^{۱۳} بعد بطن تملی و همگی ۳ دانگ باغ پایینی موروثی سراسیاب واقعه در اراضی سناروک از محله ورامین مع دو ساعت آب^{۱۴} از مجری الحیاه قناه سناروک و ۳ دانگ سهم موروثی متصرفی خود از کل شش دانگ باغ واقعه در ورامین^{۱۵} مشهور به کوشک است و حدود هر یک مرقوم ذیل است با جمیع توابع شرعیه و منظمات عرفیه آن از عرصه و اعیان

حدود باغ سناروک

به باغ سید محمد به شارع عام به باغ بالا خانه به جاده عام

حدود باغ به کوشک

به باغ حاج نصرالله به باغ مشهدی محمد به باغ نزدیک حاج محمد... به جاده عام

۱۶/ و ممر و مدخل و اشجار و مجری الحیاه و كُلُّ مَا يَتَعَلَّقُ بِهَا وَ يُضَافُ إِلَيْهَا وَ صِبْغَهُ عَقْدِ حَبْسِ اَبْدِي بِه قاتون^{۱۷} شریف جاری و واقع گردید و قبض و قباض و تسلیم و تسلیم نیز به عمل آمد.

حبساً صحیحاً شرعياً بحیث^{۱۸} ﴿ لَا يُبَاعُ وَ لَا يَرْتَنُ وَ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا أَثَمُهُ عَلَى الَّذِي ۱۹/ يُبَدِّلُونَهُ ﴾ و احدیتم عن التَّغْيِيرِ وَ لِتَبْدِيلِ فَإِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ تَحْرِيراً به تاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۹.

[در حاشیه سمت راست]

۱/ توضیحاً مرقوم می شود که مبلغ چهارصد تومان از منافع املاک مرقومه متن بعد از فوت مرقومه^۲ مبلغ سیصد تومان آن را حج بلدی ز آدم امین عادل خریداری نماید و مبلغ یکصد تومان و ماکسر را جهت تغسیل و تکفین^۳ و تدفین و فی ربع و سهم امام علیه السلام و ردّ مظالم نماید و خمس آل محمد صلّه جناب فضایل مآب آقا شیخ علی^۴ صرف نماید به تاریخ المتن [مهر بیضی]: زهرا خاتون، توضیح دیگر آن که رقبات مرقومه متن مع آب مادام الحیوه در تصرف خود^۵ جناب عفت مآب زهرا خاتون خاتم بوده باشد که تصرف الملاک فی ملاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم^۶ فی تاریخ متن ... [مهر بیضی]: زهرا خاتون

۱. بسمه تعالی قد وقع جمیع ما رقم فیه و فی الهامش من الحبس حیسمما فصل فیه و أنا امریت الصبغہ فی التاریخ الاحمر ابوالحسن لتجفی العرقده. [مهر بیضی]: ابوالحسن تجفی

۲. وقع جمیع ما رقم فیه و فی الهامش من الحبس حیسمما فصل فی التاریخ حرره محمدحسین التجفی. [مهر بیضی]: محمد حسین

۳. وقع ما رقم فیه فی التاریخ محرر محمد حسین تجفی. [مهر بیضی]: محمد حسین تجفی

۴. الشاهد بذلک و حاضر فی المجلس آقا سید ابوالحسن. [مهر بیضی]: آقا سید ابوالحسن